



فاز نخست

تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران

باتکیه بر مطالعات
و پژوهش‌های انجام‌شده

تیر ۱۳۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

فازنخست

تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران

باتکیه بر مطالعات و پژوهش های انجام شده

تیر ۱۳۹۷

نکات قابل توجه در مورد فاز نخست

- منابع مورد استناد این گزارش حاصل جستجوی کلیدواژه‌های «کارآمد»، «ناکارآمدی» و «بحران سیاسی» در پایگاه‌های اطلاعاتی زیر است:
 - ایران داک، نسخه گنج جدید (ganj-beta.irandoc.ac.ir)
 - پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir)
 - پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)
 - پایگاه اطلاعات نشریات ایران (magiran.com)
- آنچه در این گزارش ارائه شده به عنوان فاز اول و صرفاً مبتنی بر داده‌های خام گردآوری شده از منابعی است که در انتهای گزارش ذکر شده است.
- به جز یک طبقه‌بندی اولیه در قالب جدول هنوز هیچ تحلیل محتوایی جامعی روی مباحث صورت نگرفته است.
- فازهای بعدی مشتمل بر منابع تکمیلی و تحلیل محتوای داده‌های خام خواهد بود.

۶..... فصل اول: مرور ادبیات نظری

۶..... ۱.۱. مفهوم کارآمدی

۶..... کارآمدی و مشروعیت

۷..... تمایز کارآمدی و کارایی

۷..... کارآمدی، حکمرانی خوب و ظرفیت دولت

۸..... ۱.۲. سطوح کارآمدی نظام‌های سیاسی: ایده، ساختار، کارگزار، رفتار

۹..... ۱.۳. شش تئوری در باب کارآمدی

۱۰..... ۱.۴. رویکردهای نظری به مبحث کارآمدی

۱۰..... الف) رویکرد کارکردگرایی

۱۱..... ب) رویکرد فرهنگی

۱۱..... پ) رویکرد ساختارگرایی

۱۱..... ۱.۵. انطباق رویکردهای نظری کارآمدی بر ایران

۱۱..... الف. رویکرد کارکردگرایی

۱۲..... ب. رویکرد فرهنگی

۱۲..... پ. رویکرد سیاسی و ساختارگرایی

۱۳..... فصل دوم: علل ناکارآمدی

۱۳..... ۱.۲. تبیین ناکارآمدی با تأکید بر فرهنگ سیاسی (تحلیل تاریخی- فرهنگی)

۱۳..... ۲.۲. تبیین ناکارآمدی با تأکید بر ضعف ساختاری و نقد دولت از منظر سیاسی

۱۴..... ۲.۳. تبیین ناکارآمدی از خلال نقد دولت از منظر اقتصاد سیاسی

۱۵..... ۲.۴. تبیین ناکارآمدی از خلال فهم فقدان نظام جامع رفاهی

۱۶..... ۲.۵. یک طبقه‌بندی اولیه از علل ناکارآمدی

۱۷..... فصل سوم: راهکارهای مواجهه با ناکارآمدی

۱۷..... ۱.۳. راهکارهای سیاسی متوجه دولت

۱۷..... ۲.۳. راهکارهای اقتصادی متوجه دولت

۱۸..... ۳.۳. راهکارهای اجتماعی متوجه دولت

۱۸..... ۴.۳. راهکارهای مدیریتی متوجه دولت

۱۸..... ۳.۵. راهکارهای معطوف به اصلاح اجتماعی و فرهنگ سیاسی

۱۹..... منابع و ماخذ

۱۹..... منابع درون‌متنی

۱۹..... منابع اصلی: مقالات

۲۱..... منابع اصلی: پایان‌نامه‌ها

فصل اول: مرور ادبیات نظری

۱.۱. مفهوم کارآمدی

کارآمدی از نظر لغوی به «مفید بودن، خدمت کردن، به کار آمدن، در خور بودن» (دهخدا، ۱۳۷۷) معنا شده است. اما از نظر اصطلاحی، آنچه بیشتر کاربرد دارد، اصطلاحاتی نظیر اثربخشی و کارایی است که در علوم اقتصادی، مدیریت، علوم سیاسی و رشته‌های وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در فرهنگ اقتصادی، کارآمدی مترادف کارایی و به «استفاده مطلوب از منابع یا عوامل تولید یا قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده» تعریف شده است. (گلریز، ۱۳۶۸: ۱۷۱) در دانش مدیریت، کارآمدی «به درجه و مقداری که یک اقدام یا فعالیت به هدف پیش بینی شده نایل می‌شود یا به نسبت ستاده‌ها به نهاده‌ها»، تعریف شده است. (زاهدی، ۱۳۷۶: ۱۱۱-۱۱۲) در ادبیات سیاسی، کارایی به «تحقق عینی یا توان سیستم در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت»، (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۰) یا «انجام اقداماتی است که از آن راه بیشترین بازده و بهره را با کمترین کوشش، رنج و خشونت بتوان به دست آورد» تعریف شده است. (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۴۷) از این رو نظام سیاسی زمانی کارآ است که توان ایفای وظایفی را که بیشتر حکومت شونده‌گان از آن انتظار دارند، داشته باشد و وظیفه اصلی یک نظام سیاسی پشتیبانی همه جانبه از زندگی فردی، سیاسی، اجتماعی، مادی و معنوی همه شهروندان به ویژه پاسداری از امنیت و آسایش آنان در اجتماع است. (همان، ۲۴۷) (قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی، ۱۳۹۴)

کارآمدی بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران شایسته آن است و ایفای بهینه کارویژه‌های دولت و کسب حداکثر رضایت‌مندی مردم را در پی دارد. مدیریت عبارت است از اعمال تدابیر و اقدامات لازم در چارچوب یک نظام ارزشی خاص در جهت تعیین اهداف و به کارگیری عوامل کار با اثربخشی و کارایی مطلوب. هنگامی از کارایی سخن به میان می‌آید که منابع لازم بر کسب هدف با آنچه واقعاً به انجام رسیده است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. هر چه نسبت سود به هزینه مطلوب‌تر باشد، کارایی بیشتر خواهد بود.

بانک جهانی کارآمدی حکومت را توانایی دولت در جهت تحقق خواسته‌های جامعه می‌داند. توانایی دولت‌ها در انجام وظایف شان زمینه ساز تحقق نیازهای افراد جامعه است.

بهبود کارایی‌های نظام سیاسی، در بردارنده تقویت کنش حکومت، کارایی و عقلانیت آن است و ترجمان این امر تلاش پیگیر برای نوآوری با دگرگونی‌ها از طریق بسیج فزاینده منابع مختلف انسانی و مادی و همچنین روند نشر و بازتولید ارزش‌های اساسی است، به گونه‌ای که مقاومت نظام سیاسی را تضمین کند (اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۴).

کارآمدی و مشروعیت

کارآمدی هم منبع مشروعیت است، هم مشروعیت‌زا و مایه تقویت آن. در حقیقت کارآمدی در حوزه مفهوم «مشروعیت‌یابی» قرار می‌گیرد که به معنای فرایندی است که طی آن حکومت‌ها به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و همچنین بالا بردن درجه رضایت مردم می‌پردازند و سعی می‌کنند مقبولیت اجتماعی و موقعیت سیاسی خود را تثبیت و به عبارتی «مشروعیت

ثانویه» را تحصیل کنند (اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۴).

ناتوانی نظام در برابر تقاضاها بر مشروعیتش اثر منفی می‌گذارد. بدیهی است که تقاضاها نیز ثابت نمی‌ماند و در شرایط کنونی جامعه ایرانی به سرعت تنوع و گسترش می‌یابند. در صورتی که حاکمیت توجهی به این تغییرات اجتماعی و تقاضاهای جدید نکند، به تدریج با بحران درونی مواجه می‌شود و پایه‌های اقتدار و مشروعیتش سست می‌شود. بنابراین بین ناکارآمدی (اقتصادی) و مشروعیت سیاسی یک نظام رابطه مستقیمی وجود دارد. برای هیچ نظامی نمی‌توان مشروعیت و کارآمدی قطعی قائل شد. ناکارآمدی اقتصادی نشان از ضعف عملکرد نظام سیاسی است. تحقیقات علمی نشانگر این واقعیت است که بحران اقتصادی مردم را از بدنه نظام جدا می‌کند و نظام را در مقابل خطرات خارجی و داخلی تنها می‌گذارد (فلاحی، مجید، ۱۳۸۹: ۳۹).

تمایز کارآمدی و کارایی

کارآمدی بر خلاف کارایی که به کارکردها و وظایف نظام ارجاع دارد، بیانگر وجه هستی‌شناختی یا فلسفه وجودی نظام‌ها است. در این صورت، مرجع کارآمدی موجودیت و هستی نظام به مثابه یک کل است که ضابطه‌های تعیین آن اصطلاحاً درون سیستمی نیست، بلکه از بیرون سیستم تعیین می‌شود. در اینجا ترجیحات، نیازها و خواسته‌های مؤسسان یا کاربران سیستم است که آن را کارآمد یا ناکارآمد می‌سازد، نه توانمندی‌های سیستم به تنهایی. در واقع نظام‌های سیاسی در کلیت آنها در صورتی کارآمد ارزیابی می‌شوند که علاوه بر موفقیت در تحقق اهداف یا فلسفه وجودی‌شان، موفق به کسب حداکثر رضایت مردم در شرایط متغیر و پیچیده زمانی و مکانی باشد؛ بنابراین کارآمدی مفهومی است که؛

الف: معطوف به حفظ موجودیت و استحکام یافتگی عوامل است و در نتیجه، پایداری آن‌ها را تضمین می‌کند.

ب: معطوف به تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای عوامل است.

ج: به توانایی عوامل در انطباق با شرایط جدید و در نتیجه آن، وظایف جدید مربوط است.

د: به توانایی و موفقیت عوامل در تحقق انتظارات از آن‌ها مرتبط است؛ زیرا کارآمدی علاوه بر آن که مقوله‌ای عینی و ابزاری است، در عین حال، تا حدی مقوله ذهنی و هنجاری نیز است. به بیان دیگر، در ارزیابی کارآمدی یک سیستم، علاوه بر اندازه‌گیری توان واقعی سیستم در تحقق اهداف از پیش تعیین شده برای آن و تأمین انتظاراتی که متوجه آن است، مردم آن جامعه نیز باید به این ارزیابی برسند که نظام موجود توانایی حل مشکلات و رفع نیازهای آن را داشته یا آنکه قصد حل مشکلات و رفع نیازهای اساسی آن‌ها را داشته باشد.

ه: به دنبال تحصیل رضایت شهروندان است و کسانی که انتظاراتشان متوجه سیستم است و سیستم موظف به برآوردن آن‌ها است.

کارآمدی، حکمرانی خوب و ظرفیت دولت

از سال ۱۹۹۰، سه مفهوم کیفیت حکومت، حکمرانی خوب و ظرفیت دولت در ارتباط و نزدیک به هم به ویژه در رابطه با کشورهای در حال توسعه و در حال گذار اهمیت پیدا کردند. در این رویکرد، بهبود حکمرانی در جامعه باعث کارآمدی نظام اجتماعی و اقتصادی و دسترسی جامعه به رفاه و رضایت خاطر مردم خواهد شد. مفهوم حکمرانی خوب و کیفیت نهادی دولتی بر رشد اقتصادی، سطح پایین نابرابری و افزایش کیفیت زندگی مردم مؤثر است.

حکمرانی خوب به این معنا است که فرایندها و نهادهای جامعه، شرایطی را ایجاد می‌کنند که نیازهای جامعه تأمین شده و در عین حال بهره برداری از منابع را نیز ممکن می‌سازند. به منظور بررسی این مفهوم مهم، بانک جهانی شش شاخص را مشخص کرده که این شاخص‌ها شامل: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآمدی دولت، کیفیت مقررات/بوروکراسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد است (Kaufmann and Mastruzzi, 2007).

۲.۱. سطوح کارآمدی نظام‌های سیاسی: ایده، ساختار، کارگزار، رفتار

مفهوم کارآمدی با در نظر گرفتن ارکان نظام‌های سیاسی و با نظر به رابطه تعاملی عوامل مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوع تبیین، به طور منطقی ساختار و کارگزار را مستلزم یکدیگر می‌داند و به تلفیق عوامل ساختاری و کارگزاری در چارچوب تبیینی واحد نظر دارد؛ اما فراتر از توجه به عوامل ساختاری و کارگزاری، بر آن است که نظام‌های سیاسی در سطحی بنیادی‌تر، دارای وجه یا بُعد «ایده‌ای» نیز هستند. توضیح آنکه هر نظام سیاسی، مبتنی بر مجموعه‌ای از ایده‌ها، وضع مطلوبی را برای خود تصور می‌کند و به شهروندان خود نوید تحقق آن را می‌دهد، اما ایده‌ها برای تحقق یافتن و به عینیت پیوستن نیازمند آن هستند تا در چارچوب ساختارها تجسم یافته تا با فراهم کردن شرایط منع و ترغیب بر کارگزاران (فاعلان درون خود) پیامدهای مطلوب و مد نظر را ظاهر سازند؛ بنابراین، در حالی که ایده‌ها به مثابه نهادهای نظام‌های سیاسی عمل می‌کنند و ساختارها نیز به مثابه دستگاه پردازشگر، کارگزاران به مثابه توانایی‌های نظام‌های سیاسی تصور می‌شوند که با برخورداری از توانایی‌های پنج گانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی، قادرند تا با رفتارهای مناسب و مطلوب، خروجی‌های مورد انتظار، رضایت بخش و تضمین کننده بقای سیستم را تولید کنند. از این رو، در تعریف کارآمدی نظام‌های سیاسی می‌توان گفت که یک نظام سیاسی زمانی کارآمد تلقی می‌شود که علاوه بر کارآمدی در سطح ایده، با دارا بودن ساختارهای کارآمد و کارگزاران شایسته بتواند با بروز رفتارهای مناسب و مطلوب، در تحقق اهداف خود موفق باشد، به گونه‌ای که حداکثر رضایت را برای شهروندان خود به ارمغان آورد و تا حد ممکن به انتظارات آن‌ها جامعه عمل پیوشاند تا از رهگذر آن، بقا و استمرار خود را تضمین کند. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان برای کارآمدی نظام‌های سیاسی چهار سطح ایده، ساختار، کارگزار و رفتار قائل بود (قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی، ۱۳۹۴).

مهمترین ضابطه‌های کارآمدی در سطح ایده عبارتند از:

- معضل‌گشایی؛ یعنی نظام ایده‌ای در مواجهه با معضل‌های نظری و عملی که متوجه نظام سیاسی می‌شوند، قادر به توجیه تضادهای ظاهری و ارائه پاسخ‌های مناسب، ارائه راهکار، نوآوری نظری و مفهومی باشد.

- بن بست‌شکنی

- افق‌گشایی

مهمترین ضابطه‌های کارآمدی در سطح ساختار عبارتند از:

- انطباق با ایده‌ها و ارزش‌ها

- امکان پیش‌بینی تغییرات

- انعطاف‌پذیری: یک ساختار به چه میزان حاضر است در مقابل تغییر و تحولات و شرایط جدید از خود واکنش نشان دهد تا از عهده انجام وظایف جدید بازماند.

- تفکیک اجزا و وظایف آن‌ها: اصل تفکیک قوا و اصل کنترل‌ها و تعادل‌ها

مهمترین ضابطه‌های کارآمدی در سطح کارگزار عبارتند از:

- مهارت‌های تکنیکی (فنی)
- مهارت‌های انسانی
- مهارت‌های ادراکی یا تفهیمی
- مهارت‌های شناختی

کارآمدی در سطح رفتار ناظر بر کارآمدی در اجرا و عمل نظام‌های سیاسی است. در این سطح پرسش این است که آیا نظام سیاسی در تحقق و به عینیت درآوردن اهداف و کمال مطلوب‌هایی که در ایده‌هایش پیش‌بینی کرده بود و وعده تحقق آن‌ها را داده، موفق بوده است؟ این سطح از کارآمدی که عینی‌ترین سطح کارآمدی نظام‌های سیاسی است، به طور عمده مبنای ارزیابی و قضاوت شهروندان از کارآمدی نظام حاکم بر آن‌ها نیز محسوب می‌شود. مهمترین ضابطه‌های کارآمدی در سطح رفتار عبارتند از:

- میزان انطباق رفتارها با ایده‌ها
- میزان موفقیت رفتارها در تحصیل نتایج مطلوب و مورد انتظار
- زمان (فوریت)
- هزینه رفتارها و فرایند (کیفیت یا چگونگی تبدیل ایده‌ها به اعمال و رفتارها) (قیصری، نورالله و قربانی، مصطفی، ۱۳۹۴).

پنج کارویژه که همه‌ی نظام‌های سیاسی برای افزایش کارایی در ارتباط با محیط خود دارند عبارت است از:

- توان استحصال که امکان کشف منابع مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف مورد نظر نظام را فراهم می‌آورد.
- توان تنظیم که اعمال نظارت کافی و هماهنگ نظام را بر افراد و گروه‌ها ممکن می‌سازد.
- کارایی توزیع که ناظر بر تقسیم کالاها، خدمات، افتخارات و وضعیت‌های موجود در سطح عامه است.
- توان سمبولیک که به مجموعه تلاش‌هایی مربوط می‌شود که نشر ارزش‌های سمبولیک را در جامعه تضمین می‌کند و به جلب حداقل حمایت عمومی کمک می‌نماید.
- توان پاسخگویی که درجه حساسیت نظام و مهارت آن در ارضای تقاضاها را نشان می‌دهد (طارمی، رسول، ۱۳۹۰: ۳۹).

۳.۱. شش تئوری در باب کارآمدی

در میان تئوری‌های متنوعی که به بحث کارآمدی پرداخته‌اند، شش تئوری را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد که عبارتند از:

۱. **تئوری توفیق:** توفیقات نهایی ملاک سنجش کارآمدی یک نظام است و روش‌های مورد استفاده در جهت نیل به هدف در کارآمدی حکومت تاثیر ندارند.
۲. **تئوری سیستم:** ملاک ارزیابی سنجش مراحل سه گانه «ورودی، عملیات، خروجی» است و ویژگی این تئوری توجه به شرایط محیطی در سنجش کارآمدی است.
۳. **تئوری رضایت مردم:** عناصر موثر در بقای حکومت مبنای سنجش کارآمدی اند؛ این عناصر می‌تواند مردم، نخبگان و روشنفکران و یا احزاب باشند.

۴. **تئوری نسبیت در کارآمدی:** کارآمدی حکومت یا سازمان را مسئله‌ی ارزشی تلقی می‌کند.
۵. **تئوری عملی کارآمدی:** مبتنی بر تئوری ذاتی اعمال ارادی است که به سه رکن (۱) فهم عامل از «وضعیت حقیقی» (۲) فهم عامل از «وضعیت مراد» (۳) «اجرای برنامه» توسط عامل تقسیم می‌شود. بر اساس این سه رکن می‌توان دست به بررسی کارآمدی زد، یعنی با فهم وضعیت موجود و تطابق آن با وضعیت مطلوب می‌توان به قضاوت کارآمدی یا ناکارآمدی برنامه موجود پرداخت. سپس باید به دست بیاید که ادامه برنامه برای طی کردن فاصله‌ی موجود و مطلوب تا چه حد عقلانی است.
۶. **تئوری انجام تکلیف:** میزان انجام و تحقق تکالیف مبنای کارآمدی نظام است. از منظر کارکردگرایی ساختاری، در کلیه‌ی نظام‌های سیاسی تنها درجه تداوم و تخصص‌گرایی ساختارها متفاوت است و گرنه همه‌ی این ساختارها چندکارکردی هستند و کارویژه‌های همه نظام‌ها نیز یکسان است و تنها فرق آنها «آهنگ تحقق»، «نوع ساختارها» و «شیوه انجام» است (طارمی، رسول، ۱۳۹۰: ۲۶).

۴.۱. رویکردهای نظری به مبحث کارآمدی

به طور کلی مفاهیم کارآیی و کارآمدی نظام‌های سیاسی-اجتماعی را می‌توان با سه رویکرد اساسی بررسی و تحلیل کرد که در زیر به شرح هر رویکرد می‌پردازیم (کاشانی، مجید، ۱۳۸۳):

الف) رویکرد کارکردگرایی

حامیان این دیدگاه بر این باورند که کارآمدی، زمانی تحقق می‌یابد که افراد یک جامعه از فرهنگ، باورداشت‌ها و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده‌ی جامعه در قالب مقررات و قوانین رسمی و هنجارهای موجود، پیروی کنند و هرکس به حفظ نظم اجتماعی کمک کند. بنابراین، کارآمدی به معنای ترکیب کلی ارکان سازمانی و رفتاری است که منجر به حفظ سلامت اجتماعی شود (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲۶). از دیدگاه این نظریه پردازان، انسان به عنوان یک عضو از جامعه دارای نقش و وظایفی است که در نهایت منجر به حفظ کلیت جامعه و حفظ پایداری وضعیت زندگی اجتماعی می‌شود. از آنجا که سلامت جامعه در گرو کارکرد صحیح عناصر و اجزاء، حفظ تعادل و یکپارچگی اجتماعی و هماهنگی با کل با جزء و جزء با کل است، کارآمدی به معنی حکم‌فرمایی کارآیی و انجام وظایف و مسئولیت‌های به موقع و ثابت هر یک از بخش‌های جامعه، منوط به درک و شناخت تمام ابعاد وجودی جامعه، مقابله با شرایط بیماری‌آشکار یا پنهان و حفظ سلامت آن است. در نتیجه کارآمدی هم به معنی ملاک‌های تشخیص تعادل و عدم تعادل و هم به معنی ابزار ایجاد شرایط بهنجار و تعادل اجتماعی است (جانسون، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

به طور طبیعی کارآمدی و ناکارآمدی در همه اعصار بر جوامع حاکم بوده است. ریشه این مفهوم در ابعاد اقتصادی-اجتماعی خود جامعه و فرآیندهای زندگی اجتماعی است. در فرآیند زندگی اقتصادی-اجتماعی، انسان‌ها به هم گره می‌خورند و توانایی هر فردی آنچنان با هر یک از بخش‌های جامعه پیوند زده می‌شود که گویی یک کل یکپارچه اند. تفاوت بنیادین زندگی اجتماعی مدرن یا شبه مدرن با زندگی در اجتماعات سنتی، تجلی کنش‌های انسانی در قالب یکپارچه‌سازی و همبستگی اجتماعی؛ نظیر تعاون، همیاری، همکاری، سازگاری و بروز توانایی‌ها و کارآمدی اجتماعی بخش‌های مختلف است؛ هر چند ستیز، رقابت، ناسازگاری و دشمنی را نیز می‌توان مشاهده کرد. از آنجا که هر نظام اجتماعی، الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید میکند، در داخل هر یک از حوزه‌های فرهنگی، مشابهت و درک معانی مشترک از الگوهای کنشی و ارتباطی در بین کنش‌گران وجود دارد (ریترز، ۱۳۸۰: ۹۸).

ب) رویکرد فرهنگی

از دیدگاهی دیگر، کارآمدی یک مفهوم فرهنگی است. در یک سوی این مفهوم، خرده فرهنگ ها، افکار، عقاید، ارزش ها، ایدئولوژی و شیوه های سنتی ثبات یافته و در سوی دیگر، خرده فرهنگ ها، افکار، عقاید، ارزش ها و شیوه های مدرن و هنوز پذیرفته نشده، قرار گرفته اند. در تعریف کارآمدی صرفاً اینکه چه چیزی کارآمد است مطرح نیست، اینکه کارآمدی چه ذات و ماهیتی دارد نیز مطرح است. در این صورت کارآمدی به معنی تطبیق با مقتضیات یا شرایط فرهنگی جدید جامعه و توانایی حل مشکلات فرهنگی است که برای یک جامعه پیش می آید. در بحث از چیستی و ماهیت کارآمدی چه بسا سازند عناصر و ابزارهایی که در نظام تغییر و تحول خرده فرهنگ ها و در روند نقل و انتقال ارتباطات جهانی و فرامرزی، موجودیت و اصالت خود را از دست می دهند و یا به عنوان بدیهیات در درون ساخت جدید استحاله می شوند.

موضوع بحث آنگاه که به چیستی و ماهیت کارآمدی جامعه ایران می رسد، با اهمیت تر و پیچیده تر می شود. استحاله های سیاسی، فکری، ارزشی، عقیدتی و مانند آن، از مفاهیم، ابزارها و نظام کارآمد یا کارآمدی نظام - چه حکومت و چه با نگرش سیستمی - پارافراتر نهاده و لاجرم همه این عناصر جزئی از فرآیند زندگی به عنوان حق، عدالت و حتی گاه الزام و اجبار یا عقیده و دین جلوه گرمی شود. به طور مثال، آموزش شغل یک بایسته زندگی بشر است، یک نیاز اساسی برای تأمین معیشت است، اما همین آموزش شغلی در صورتی از کارایی و کارآمدی نظام آموزشی برخوردار است که منجر به تولید، درآمد و رفاه گردد، اما با نهادینه شدن یا استحاله های سیاسی، فکری، ارزشی، عقیدتی مفاهیم، ابزارها و روش های اجرایی غالباً به عنوان حق و عدالت در عمق زندگی افراد جامعه ایران، جای می گیرد.

پ) رویکرد ساختارگرایی

در دنیای واقع، هر نظام سیاسی به منظور اطلاع رسانی و پاسخگویی در برابر مردمی که زیر پرچم آن زندگی می کنند، نیازمند اثبات سطح و میزان کارایی یا کارآمدی خود و همچنین پرداختن به تئوری های جامعه پسند است؛ به ویژه آنکه ضعف کاری، مطالعاتی یا فقر تئوری نیز در زمینه مورد نظر وجود نداشته باشد.

اگر کارآمدی نظام سیاسی را بر اساس دیدگاه کلان و در درون مرزهای یک کشور تعریف کنیم، با امری سرو کار خواهیم داشت که در تک تک افراد آن کشور تجلی یافته است؛ یعنی کارآمدی نهادینه شده نظام در همه ارکان سیاسی و حکومتی، که مسلماً بر یک ساختار سیاسی مشخص، نمود عینی دارد. کارآمدی نظام سیاسی در صورتی به وجود می آید که دو طرف کارآمدی - فرد و ساختار کارآمد، و فرد و ساختار در معرض کارآمدی - ادبیات کاملاً مشترک و آمادگی پذیرش و هضم فکری همه فعالیت های و ارکان یکدیگر را داشته باشند. البته منظور از دو طرف کارآمدی در اینجا الزاماً فرد و حکومت نیست، چه بسا گروه های اجتماعی کوچک و بزرگ (مانند احزاب سیاسی به عنوان یک گروه اجتماعی بزرگ) و یا دو سازمان با بافت رسمی وسیع نیز مطمئن نظر قرار گیرد. به علاوه در رویکرد سیاسی، محقق بیش از هر چیز با ساختارهای رسمی قانونی و ابزارهای تعریف شده و مشخص سروکار دارد.

۵.۱. انطباق رویکردهای نظری کارآمدی بر ایران**الف. رویکرد کارکردگرایی**

در این رویکرد پرسش اولیه ای این است که انقلاب اسلامی ۵۷ و نظام برآمده از آن چه نتایج و کارکردهایی داشته است؟ به عبارت دیگر، محصول این انقلاب تا چه میزان برای مردم مفید و پاسخگویی خواسته ها و آرمان های اولیه آنان بوده و در

یک کلام، تا چه میزان برای ارکان سیاسی جامعه و نظام حکومت و مردم، کارآمدی داشته است؟ نوع نگرش افراد به مقوله کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، تا اندازه زیادی در مقایسه با وضعیت سیاسی جوامع دیگر و یا شرایط سیاسی قبل از انقلاب به دست می‌آید. لذا:

الف) شناخت معیارها و شاخص‌های مطلوب و وضعیت سیاسی جوامع دیگر؛

ب) آگاهی از اوضاع معیارها و شاخص‌های سیاسی قبل از انقلاب؛

ج) انتخاب معیارها و شاخص‌های استاندارد مشارکت سیاسی و مفید برای ارزیابی؛

و دیگر اینکه اتخاذ روش شناسی و نگرشی علمی، منطقی، آگاهانه و منصفانه در پاسخگویی به این سؤال، نقش اساسی دارد. مسلماً مطالعه کارآمدی سیاسی نظام جمهوری اسلامی نیازمند بهره‌گیری از تئوری‌های علمی، شناخت وضعیت جوامع دیگر و اوضاع قبل از انقلاب و همچنین نیازمند معیارها و شاخص‌های ارزیابی قابل دفاع در بین افکار عمومی ایران و جهان است.

ب. رویکرد فرهنگی

مطابق یک نظریه مطرح، در جامعه ایران به دلیل توسعه ناموزون و برون‌زا و تأثیر نظام جهانی از یکسو و به علت وجود سیستم‌های نظارتی ضعیف، قواعد هنجاری و مقررات سازمانی ناکارآمد، نوعی تشتت و از دست رفتن وحدت‌کنشی در جامعه دیده می‌شود. به زعم اینان، جامعه ایران، هنوز موفق به گذار از دایره نگرش‌ها و ارزش‌های سنتی به نوین نشده است. در واقع هرچند شکل و صورت دستاوردهای تمدنی غرب (ابزار و ادوات نوین، بوروکراسی، تکنیک‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، مد و...) در اختیار جامعه ما قرار گرفته، اما نتوانسته متناسب با شرایط فرهنگی، محتوا و درون‌مایه دستاوردهای تمدنی خود را نهادینه سازد.

پ. رویکرد سیاسی و ساختارگرایی

به زعم این متفکران، شکل نوین بوروکراسی و ارتباطات سازمانی جامعه ایران، یکی از دستاوردهای تمدنی مغرب‌زمین است که اهداف، مناسبات، قواعد و ملزومات خاص خود را می‌طلبد. چنانچه مقدمات آن درست فراهم نشود، باید در انتظار گونه‌های مختلف ضعف و ناکارآمدی اجتماعی، کاهش احساس تعلق اجتماعی مردم به سازمان‌ها، آسیب‌های اجتماعی و مانند آن بود. از منظر ساختارگرایی، علاوه بر ساخت سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و ضرورت کارآمدی آن، ساخت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیز همواره با تغییرات مختلف مواجه بوده و با استفاده از یکی از ابزارهای کارآمدی، مانند همنوایی، نوآوری اجتماعی، مقابله مثبت و منفی، مناسک‌گرایی، انزواطلبی، شورش و انقلاب، درصد ایجاد ساخت متعادل اجتماعی با شرایط نوین بوده است. این امر بویژه در جوامعی که در حال گذار هستند و به دلیل تغییرات درونی و بیرونی، تعادلشان برهم خورده، شدیدتر است.

در این رویکرد نظری به نظام جمهوری اسلامی ایران، بحث از توانایی مسئولین و سازمان‌ها و مخصوصاً نهادهای انقلابی برای حل مشکلات مردم، حذف و کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد عدالت اجتماعی در سطح جامعه می‌شود.

فصل دوم: علل ناکارآمدی

۱.۲. تبیین ناکارآمدی با تأکید بر فرهنگ سیاسی (تحلیل تاریخی-فرهنگی)

- فرهنگ سیاسی ایران به نحوی تاریخی، بنا به ویژگی‌هایی از قبیل پاتریمونیاالیسم، آمریت، تابعیت، و شدیداً غیر مشارکتی بودن، فضایی به وجود آورده که ترس، بدبینی، سیاست گریزی، تملق، چاپلوسی و فرصت طلبی از خصایص بارز آن است.
- نهادینگی سیاسی همواره تابع منافع اشخاص و نخبگان بوده است.
- مشکل اساسی ناکارآمدی نه از ضعف محتوای قانون اساسی، بلکه بیشتر ناشی از جهل و استبداد نخبگان سیاسی است.
- ناکارآمدی نه در حوزه ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بلکه به نحوه نگرش نخبگان مربوط است.
- گسترش فرهنگ سیاسی و اقتصادی غیر مولد و ضد ارزشی سبب بروز ناکارآمدی می‌شود (طارمی، رسول، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸).
- توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی به انحاء مختلف تاثیرات متفاوتی بر ناکارآمدی نهادهای سیاسی و متعاقباً رفتار سیاسی شهروندان جامعه ایران می‌گذارد (خرمی، قاسم، ۱۳۷۷: ۱۷۹).
- فقدان رقابت سالم و مدارا و رواداری سیاسی میان صاحبان قدرت با توده‌ی مردم و یا نخبگان منتقد یا اپوزیسیون (خرمی، قاسم، ۱۳۷۷: ۱۷۹).

۲.۲. تبیین ناکارآمدی با تأکید بر ضعف ساختاری و نقد دولت از منظر سیاسی

- بیگانگی سیاسی دولت با جامعه‌ی مدنی و عدم تعامل با جامعه
- اقتدار گرایی دولت به سبب ساخت بسیار بزرگ و رشد غیر طبیعی پس از انقلاب ۵۷ زمینه‌ساز بروز ناکارآمدی است.
- عدم برخورداری دولت از نقش تفویضی و مردم سالار در نظام جمهوری اسلامی و به عهده گرفتن نقشی بین «تصدی گری (آمرانه) و هدایت گری (مشارکتی)»
- پیوند وثیق ساز و کارهای قانونی و نهادهای سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با نهادهایی که صبغه‌ی ایدئولوژیک دارند (مانند نهاد رهبری و مجمع تشخیص مصلحت) (طارمی، رسول، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸)
- دو وضعیتی بودن ساخت قدرت، مانع از توسعه‌ی سیاسی و افزایش کارآمدی در ایران بوده است. ساخت قدرت به دو صورت قابل تجلی است: یک، ساخت قدرت متمرکز که در این نوع تمایل به انباشت قدرت وجود دارد؛ دو، ساخت قدرت متکثر که تلاش بر توزیع قدرت است. در جامعه ایران هم اشکالی از ساخت قدرت متمرکز و هم اشکالی از قدرت متکثر وجود دارد. این دویارگی و دو وضعیتی بودن قدرت در ایران

- می‌تواند مانعی در سر راه توسعه سیاسی قلمداد گردد (فلاحی، مجید، ۱۳۸۹: ۳۹).
- تداخل، تکرار و تشابه وظایف دستگاه‌های دولتی
- تقسیم ناموزون و غیر منطقی وظایف بین وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی
- فقدان یا ضعف تخصص‌های مورد نیاز
- فقدان اصل استقرار و عدم حفظ موجودیت سازمانی
- مشخص نبودن حدود تمرکز و عدم تمرکز اداری (ساخت تشکیلاتی و شیوه توزیع اختیارات، نظام تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کرده است).
- خلاهای قانونی و نقد نظارت‌های استصوابی نهادهایی همچون شورای نگهبان
- مطلق بودن قدرت که ویژگی تاریخی ساختار سیاسی ایران بوده است مانع اصلی شکل‌گیری کانون قدرت مستقل در جامعه ایرانی به شمار می‌رود.
- نبود امنیت ناشی از حکومت مستبدان و قدرتمندان
- همچنین مهاجرت‌ها و هجوم‌های متعدد به کشور بی‌ثباتی و ناامنی جامعه را در پی داشته است.

۳.۲. تبیین ناکارآمدی از خلال نقد دولت از منظر اقتصاد سیاسی

- دولت نمی‌تواند نقش بازار را از طریق انباشت سرمایه ایفا کند. این وظیفه‌ای در انحصار بخش خصوصی است.
- نظام نوین مدیریت سرمایه‌داری در ساختار سنتی، ناکارآمد، در هم تنیده و انعطاف‌ناپذیر بنگاه‌های اقتصادی دولتی بکار گرفته شود که به هیچ وجه توان و انگیزه‌ای برای پذیرش آن نداشته است (تحمیل ساختاری نوین بر ساختاری غیر منعطف).
- دولت ناکارآمد با مداخله در سیاست‌های سرمایه‌داری (درید قدرت بازار)، مشروعیت خویش را نیز از کف داده است (رابطه مستقیم ناکارآمدی و سلب مشروعیت از دولت).
- علت اساسی تهدید کارآمدی و مشروعیت همزمان دولت، وجود اقتصادی دولتی و شبه دولتی است.
- با اقتصاد ناکارآمد و انحصاری (غیر رقابتی) دولتی امکان مرتفع ساختن کسری مشروعیت بوروکراسی دولتی بسیار دشوار خواهد بود.
- ساختار رانتی حاکم بر کشور از ناکارآمدی‌های نهادی بر سر راه حکومت در ایران است که حتی دموکراتیک‌ترین نهادها و فرایندها را در کشور نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. نخستین تاثیر رانت بر دولت این است که استقلال آن را در برابر جامعه افزایش می‌دهد و دولت به دلیل دارا بودن از رانت از آن برای حفظ و تداوم قدرت انحصاری خویش استفاده می‌کند (قنواتی، نسری و دیگران، ۱۳۹۶).
- درآمد ثابت نفتی به عنوان عامل تداوم بخش حکومت خودکامه و استبدادی است. بنابراین، دولت رانتیر در شرایطی که به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جامعه است، یعنی مادامی که با بحران مالی مواجه نشده باشد، علاقه‌ی چندانی به کاهش وابستگی جامعه‌ی مدنی به خود و در نتیجه افزایش استقلال آن نشان نمی‌دهد (قنواتی، نسری و دیگران، ۱۳۹۶).

۴.۲. تبیین ناکارآمدی از خلال فهم فقدان نظام جامع رفاهی

● در نظام رفاه ایران دو مسئله مهم و موثر در کارآمدی، موازی کاری و ناهماهنگی است اما بسترهای تاریخی و شرایط جاری هر دوره دولت‌ها را به سمت سیاست‌گذاری رفاهی حرکت می‌دهد. لذا ابزار اجرایی این تصمیم دولت، ایجاد ساختار سازمانی است اما در طول زمان این سازمان‌ها به جای تلاش برای رسیدن به اهداف رفاهی جامعه به ابزار تسلط و اعمال قدرت بر جامعه تبدیل می‌شوند و مانع از تحقق اهداف اصلی می‌شوند. در این بین گفتمان‌های حاکم و نقش کارگزاران اجرایی نیز تأثیرگذار است.

● علل و کشمکش سیاسی میان جناح‌های اصلی کشور بر سر منافع و قدرت، مانع از تدوین نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی می‌شود. چنانکه هر یک سعی داشته‌اند که با مداخله در ساختار موجود، آن را به نفع خود سازماندهی نمایند.

● علل سازمانی: تمایل مدیران دستگاه‌های فعال در عرصه تأمین اجتماعی کشور برای حفظ و توسعه اختیارات سازمانی از طریق کاهش اختیارات دیگر سازمان‌ها وجود داشته است. این کشمکش‌ها میان سازمان بهزیستی و کمیته‌ی امداد؛ سازمان تأمین اجتماعی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و معاونت درمان وزارت بهداشت؛ سازمان بیمه و خدمات درمانی و کمیته امداد؛ هلال احمر و وزارت کشور... است.

● در ایران همواره دولت بزرگ، دولت مقتدر پنداشته می‌شود و وسعت نهادها و تشکیلات برابر با اقتدار دولت فرض شده است. در این نگاه دیوانسالاری برابر در اختیار گرفتن نیازها و آرزوهای جامعه است لذا سرمایه ملی سرمایه دولتی تلقی می‌شود که هزینه آن بیش از هزینه رفاه مردم است.

● گفتمان سیاست اجتماعی در کشور وجود ندارد. در واقع در چند دهه گذشته سیاست اجتماعی نداشته‌ایم و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر به حفظ دامنه نابرابری شده است. در این راستا پیوند بین قدرت و ثروت و سیاست‌های همسو با منافع ثروتمندان به این موضوع دامن زده است، چنانکه علی‌رغم افزایش درآمدها بهبود قابل توجهی در زندگی و کیفیت زندگی مردم دیده نمی‌شود. زمانی که نهادهای حامی توسعه در جامعه به وظایف خود عمل نمی‌کنند نهادهای ضد توسعه همچون فساد اداری حضور محسوس و وافی دارند.

● در سطوح اجرایی و کاربردی برنامه‌ها، هنوز اصل چهار ترومن و توسعه فیزیکی و عمرانی برنگرش حاکمیتی غلبه دارد و باعث عدم نهادینه شدن نگرش اجتماعی شده است. به نوعی می‌توان گفت نگرش توسعه انسان محور وجود نداشته است. در کشور ما سیاست اجتماعی از سیاست اقتصادی اثر می‌پذیرد چنانچه تورم و کارکردهای کاهش ارزش پولی لطمه شدیدی به تأمین اجتماعی زده است (نعیمایی، بنیامین و شکوری، علی، ۱۳۹۰).

۵.۲. یک طبقه‌بندی اولیه از علل ناکارآمدی

علت	سطح تحلیل	قلمرو	ساختار - عاملیت	کنشگر مولد
پاتریمونیا، آمرانه و غیر مشارکتی بودن فرهنگ سیاسی ایران	کلان	فرهنگی	ساختار	نخبگان
جهل و استبداد نخبگان سیاسی	خرد	فرهنگی	عاملیت	نخبگان
فرهنگ سیاسی و اقتصادی توسعه نیافته، غیرمولد و ضد ارزشی	کلان	فرهنگی	ساختار	نخبگان
فقدان رقابت سالم و مدارا و رواداری سیاسی میان صاحبان قدرت و نخبگان	خرد	فرهنگی	عاملیت	نخبگان
بیگانگی سیاسی دولت با جامعه‌ی مدنی و عدم تعامل با جامعه	کلان	سیاسی	ساختار	دولت
ساخت بسیار بزرگ و رشد غیر طبیعی دولت و اقتدارگرایی منتج از آن	کلان	سیاسی	ساختار	دولت
پیوند وثیق ساز و کارهای قانونی و نهادهای سیاسی با نهادهای واجد صبغه‌ی ایدئولوژیک (مانند نهاد رهبری و مجمع تشخیص مصلحت)	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
دو وضعیتی بودن ساخت قدرت (نوسان میان قدرت متمرکز و قدرت متکثر)	کلان	سیاسی	ساختار	دولت
تداخل، تکرار و تشابه وظایف دستگاه‌های دولتی	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
تقسیم ناموزون و غیر منطقی وظایف بین وزارت خانه‌ها و مؤسسات دولتی	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
فقدان یا ضعف تخصص‌های مورد نیاز	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
فقدان اصل استقرار و عدم حفظ موجودیت سازمانی	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
مشخص نبودن حدود تمرکز و عدم تمرکز اداری (ساخت تشکیلاتی و شیوه توزیع اختیارات)	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
خلاهای قانونی و نظارت‌های استصوابی نهادهایی همچون شورای نگهبان	میانه	سیاسی	ساختار	نهادهای دولتی
مهاجرت‌ها و هجوم‌های متعدد به کشور و بی‌ثباتی و ناامنی ناشی از آن	کلان	سیاسی	ساختار	دولت
ایفای ناموجه نقش بازار را از طریق انباشت سرمایه توسط دولت	کلان	اقتصادی	ساختار	دولت
ساختار سنتی، ناکارآمد، در هم تنیده و انعطاف ناپذیر بنگاه‌های اقتصادی دولتی	میانه	اقتصادی	ساختار	نهادهای دولتی
مداخله دولت در سیاست‌های سرمایه داری و اقتصادی دولتی و شبه دولتی	کلان	اقتصادی	ساختار	دولت
ساختار رانتی حاکم بر دولت (دولت رانتیر)	کلان	اقتصادی	ساختار	دولت
درآمد ثابت نفتی به عنوان عامل تداوم بخش حکومت خودکامه و استبدادی	میانه	اقتصادی	ساختار	دولت
موازی کاری و ناهماهنگی در سیاستگذاری رفاهی و نظام رفاه ایران	میانه	اجتماعی	ساختار	نهادهای دولتی
تمایل مدیران دستگاه‌های فعال در عرصه تأمین اجتماعی کشور برای حفظ و توسعه اختیارات سازمانی از طریق کاهش اختیارات دیگر سازمان‌ها	میانه	اجتماعی	عاملیت	مدیران دولتی
فقدان گفتمان سیاست اجتماعی در کشور	کلان	فرهنگی	عاملیت	نخبگان
فقدان نگرش توسعه انسان محور	خرد	فرهنگی	عاملیت	نخبگان و مدیران دولتی

فصل سوم: راهکارهای مواجهه با ناکارآمدی

۱.۳. راهکارهای سیاسی متوجه دولت

- کاهش تصدی گری دولت و مقابله با تمرکز، تاکید بر مشارکت فعال مردم
- به حداقل رساندن نقش دولت برای افزایش چابکی در سیستم آن و افزایش مشارکت مردمی با محوله‌ی تصدی کارها به بخش‌های دیگر
- تمرکززدایی، مقررات زدایی و شفاف کردن بازار سیاست
- تقویت شش کارویژه‌ی « طرح علایق، تجمیع منافع، تمهید قوانین، اجرای قوانین، عملکرد قضایی، ارتباطات سیاسی »
- استقلال نسبی دولت از جامعه‌ی مدنی و استقلال جامعه‌ی مدنی از دولت و بازبودن نظام سیاسی به روی مشارکت مدنی و دموکراتیزه کردن نظام سیاسی
- سعی بر فراهم آوردن توافق لازم میان افراد در مورد حوزه مشروعیت، قدرت و مسئولیت دولت. در این راستا کارکردها، برنامه‌ها و وظایف و هدف‌های نظام سیاسی باید مورد قبول و پذیرش اکثریت مردم قرار گیرد.
- مهیا کردن شرایط برای ایجاد احزاب کارآمد به منزله‌ی حلقه‌ی واسط میان مردم و کارگزاران و تصمیم‌گیران سیاسی حکومت
- محوریت احزاب در مدیریت کشور
- نهادینه کردن و حاکمیت قانون و شفاف‌سازی و تحقق قانون اساسی
- انجام بهینه کلیه وظایف حکومت به ویژه تامین امنیت

۲.۳. راهکارهای اقتصادی متوجه دولت

- عدم تمرکز بر درآمد نفتی به منظور جلوگیری از استقرار یک نظام بسته‌ی سیاسی
- پیگیری و اجرای کامل هفت برنامه‌ی ضد فساد شامل: (۱) برنامه‌ی از بین بردن فرصت فساد. (۲) برنامه‌ی بازدارندگی و مجازات. (۳) برنامه‌ی شفافیت. (۴) برنامه‌ی آزادسازی یا خصوص‌سازی. (۵) برنامه‌ی آشکارگی و حساب‌کشی. (۶) برنامه‌ی تنظیم امور بودجه‌ای و مالی. (۷) برنامه‌ی اصلاح نظام اداری، شایسته‌سالاری و فرهنگ سازمانی. رویکرد نظری حکمرانی خوب پیش فرض‌های نهفته در اقتصاد نهادی را به عرصه‌ی سیاسی انتقال می‌دهد، و معتقد است برای مقابله با فساد باید از پیمایش عمومی، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه بخش عمومی، پاسخگویی مالی، استقلال رسانه، استقلال قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و تغییر فرهنگ بوروکراتیک و... استفاده کرد (سلیمان پاک سرشت و زین العابدین افشار/ ۱۳۹۶).

۳.۳. راهکارهای اجتماعی متوجه دولت

- توزیع صحیح منزلت و عدالت اجتماعی
- رفع محرومیت و برقراری رفاه عمومی

۳.۴. راهکارهای مدیریتی متوجه دولت

- تأکید بر حکومت برنامه دار و مقابله با حکومت کاربرد باز و معامله ای
- کاربرد مدیریت علمی و جذب نیروهای متخصص و مقابله با تغییر مداوم مدیران
- ضرورت پاسخگو بودن دولت و نظارت دقیق و هماهنگ بر عملکرد دستگاه ها
- هماهنگی و انسجام درونی در نظام سیاسی
- اتخاذ راهبردها و اهداف متناسب با قدرت ملی

۳.۵. راهکارهای معطوف به اصلاح اجتماعی و فرهنگ سیاسی

- ایجاد کارویژه های «انسجام و همبستگی ملی» و «ایجاد آگاهی ملی و جهت دهی به زندگی اجتماعی»
- وجود فرهنگ سیاسی مشارکتی در جامعه و نهاد مشارکت قانونی متعدد.
- تساهل و مدارای سیاسی و امکان مشارکت آزادمنشانه ی کلیه ی افراد در امور سیاسی و اجتماعی جامعه
- تفکیک حوزه های دینی از حوزه های تجربی و کاربرد شیوه های عقلایی در سیاست گذاری
- تصحیح احزاب با انگیزه های گذرا و نیازهای موقت به احزاب ملی مبتنی بر منافع جمعی و منافع دائمی اقتصادی
- تقویت و گسترش جامعه مدنی

منابع و ماخذ

منابع درون متنی

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- گلریز، حسن (۱۳۶۸)، فرهنگ توصیفی لغات و اصطلاحات علوم اقتصادی، تهران: مرکز آموزش بانکداری.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۷۶)، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: چاپ سپهر.
- لیبست، سیمور مارتین (۱۳۷۴)، «مشروعیت و کارآمدی»، فرهنگ توسعه، شماره ۱۸، خرداد و تیر، صص ۱۱-۱۰.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، جلد اول، چاپ ششم، تهران: توس.
- Kaufman, Daniel, Brookings institution Art Kraay and Massimi.
- Mastruzzi, global Economy and Development at Brookings (2010); world bank.

منابع اصلی: مقالات

ردیف	نام نویسنده	سال انتشار	عنوان کامل مقاله	عنوان مجله	سال / دوره / شماره مجله
۱.	محمد محمدی نیا	۱۳۹۷	از ادراک سازی ناکارآمدی تا کارآمدی وابسته	فصلنامه فرهنگ پویا،	شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۷ ص ۷۰
۲.	سلیمان پاک سرشت، زین العابدین افشار	۱۳۹۶	ارزیابی تئوری برنامه سیاست های ضد فساد در ایران بعد از انقلاب	فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی	سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶
۳.	نسرین قنواتی، مجید وحید، احمد ساعی، سید علیرضا ازغندی،	۱۳۹۶	بازتولید ساختار رانتی در ایران	فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی	سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶
۴.	بنیامین نعیمی، علی شکوری	۱۳۹۵	چالش های اجرای نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در ایران دهه ۹۰	فصلنامه رفاه اجتماعی	سال شانزدهم، شماره ۶۳، زمستان ۱۳۹۵
۵.	هادی غلام حسینی	۱۳۹۵	ناکارآمدی، بی تفاوتی، سازمان یافتگی چرادرستگاه ها از بیرون کشیدن «خنجر پشت نظام» ناتوانند!؟	ماهنامه پیام انقلاب	شماره ۹۷، خرداد و تیر ۱۳۹۵
۶.	فرانک آقازاده بکتاش، منیره دیزجی	۱۳۹۶	تاثیر کارایی هزینه و اندازه دولت بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب جهان	فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی	سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۶
۷.	حسن اسماعیل زاده، لطفعلی کوزه گر، مهدی علیان، علی اصغر آدینه وند	۱۳۹۵	فرا تحلیلی بر پژوهش های حوزه ی حکمروایی شهری در ایران	فصلنامه مدرس علوم انسانی (برنامه ریزی و آمایش فضا)	سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵
۸.	سعید عطار، علی خواجه نایینی	۱۳۹۴	بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران	فصلنامه سیاستگذاری عمومی	سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴
۹.	عباس شادلو، زَرا کرم پور	۱۳۹۴	تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه کلاوس اوفه	فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان	سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۴

ردیف	نام نویسنده	سال انتشار	عنوان کامل مقاله	عنوان مجله	سال / دوره / شماره مجله
۱۰	محمد کمالی زاده، سعید عطار	۱۳۹۷	کارآمدی به مثابه ظرفیت دولت؛ رهیافتی سیاسی به مفهوم کارآمدی	نشریه پژوهش سیاست نظری	شماره ۲۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷
۱۱	واعظی، احمد، موسوی، سید غلامرضا	۱۳۹۱	پژوهشی در کارآمدی نظام جمهوری اسلامی	علوم سیاسی	۵۹
۱۲	کاشانی، مجید	۱۳۸۳	کارآمدی نظام و رویکردهای نظری آن	مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی	۲۳ و ۲۴
۱۳	عطار، سعید، خواجه نایینی، علی	۱۳۹۴	بررسی و تحلیل عوامل موثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران	سیاستگذاری عمومی	۱
۱۴	ضمیری، عبدالحسین؛ نصیری، حامد، رضا؛	۱۳۸۹	حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن	پژوهشنامه	۵۲
۱۵	بشیریه، حسین؛	۱۳۸۴	زمینه‌های اجتماعی بحران سیاسی در ایران معاصر گسترش شکاف میان ایدئولوژی رسمی و کردارهای عمومی	رفاه اجتماعی	۱۶
۱۶	سیلان اردستانی، حسین؛	۱۳۹۴	نقش رسانه‌ها در مدیریت بحرانهای سیاسی	مدیریت بحران و وضعیتهای اضطراری	۲۶
۱۷	لکزایی، نجف؛	۱۳۸۰	سرمقاله: بحران سلطه و کنترل سیاسی در ایران معاصر	علوم سیاسی	۱۶
۱۸	امیری، عبدالرضا؛	۱۳۹۱	مطالعه فرایند و متغیرهای مؤثر بر امنیتی شدن بحران‌های اجتماعی در ایران	مطالعات مدیریت انتظامی	۲
۱۹	اخوان کاظمی، بهرام؛	۱۳۸۴	جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی	مطالعات انقلاب اسلامی	۱
۲۰	قیصری، نورالله؛ قربانی، مصطفی؛	۱۳۹۴	کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مدلی برای سنجش و ارزیابی	دانش سیاسی	۲۲
۲۱	اخوان کاظمی، بهرام؛	۱۳۸۳	پاسخگویی و کارآمدی	حکومت اسلامی	۳۴
۲۲	آب نیکی، حسن؛	۱۳۹۰	جهانی شدن و چالش مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران	پژوهش سیاست نظری	۱۰
۲۳	مبینی دهکردی، علی؛	۱۳۸۹	بررسی کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه و تدوین راهبردهای ارتقاء کارآمدی آن	مجله راهبرد بومی	۱۰۶
۲۴	شفیعی فر، محمد؛ قربانی، مصطفی؛	۱۳۹۵	تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی	مطالعات انقلاب اسلامی	۴۷
۲۵	آریا، امیر؛	۱۳۸۵	نگرانی جریان‌های سیاسی از ناکارآمدی دولت	گزارش	۱۷۹
۲۶	الوانی، سید مهدی؛ پورعزت، علی اصغر؛ نجابت، انسیه؛	۱۳۹۴	بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط مشی گذاری ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه «فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران»)	مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)	دوره هفتم، شماره ۱
۲۷	برزگر، ابراهیم؛ حسین زاده، صیاد؛	۱۳۹۵	بررسی عقلانیت سیاستگذاری عمومی در ایران: مطالعه موردی «قانون هدفمند کردن یارانه‌ها»	سیاستگذاری عمومی	دوره دوم، شماره ۱
۲۸	دانش فرد، کرم اله؛ اسدالله زاده جعفری، ندا؛	۱۳۹۰	بررسی موانع عدم تحقق (پیاده سازی) طرح اصلاح نظام‌های مدیریتی در بخش دولتی ایران	سال پنجم / شماره ۱۶	
۲۹	علم، محمدرضا	۱۳۸۲	بررسی موانع تاریخی استقرار جامعه مدنی در ایران معاصر با تکیه بر ناکارآمدی نخبگان	پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی	شماره ۳۸
۳۰	شادلو، عباس؛ کرم پور، زُزا؛	۱۳۹۴	تحلیل رابطه بین کارآمدی و مشروعیت دولت جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه جلاوس اوفه	فصلنامه سیاست‌های راهبردی وکلان	سال سوم / شماره ۹
۳۱	لاریجانی، محمدجواد	۱۳۷۳	حکومت و مبانی کارآمدی	مجلس و پژوهش	شماره ۱۰
۳۲	اخوان کاظمی، بهرام	۱۳۸۶	علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران	نشریه زمانه	شماره ۶۶
۳۳	خسروی، محمدعلی؛ شهسواری فرد، شهره؛	۱۳۹۵	فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمدی سازمان‌های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران	فصلنامه دولت پژوهی	دوره ۲ / شماره ۸

ردیف	نام نویسنده	سال انتشار	عنوان کامل مقاله	عنوان مجله	سال / دوره / شماره مجله
۳۴.	نامشخص	۱۳۷۹	قانون اساسی، مشروعیت و کارآمدی	مجله بازتاب اندیشه	شماره ۱۲
۳۵.	اخوان کاظمی، بهرام	۱۳۸۲	مفهوم شاخصه ها و شیوه های ارتقاء کارآمدی در نظام جمهوری اسلامی ایران	راهبرد	پاییز ۸۲ / شماره ۲۹
۳۶.	عباسی، ابراهیم	نامشخص	ناکارآمدی ساختاری و کارکردی دولت و عدم تحقق توسعه اقتصادی در ایران: تجربه ای ناموفق از اصلاحات اقتصادی	نامشخص	نامشخص
۳۷.	مهدوی، ابوالقاسم؛ محمدلو، حمید عزیز؛	۱۳۹۵	ناکارآمدی سیاست ها و تأثیر آن بر عدم توسعه یافتگی صنایع کوچک و متوسط کشور	فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان	سال چهارم / شماره شانزدهم

منابع اصلی: پایان نامه ها

ردیف	دانشجو	سال دفاع	عنوان کامل پایان نامه	رشته	استاد راهنما	دانشگاه
۱.	نداپارسا	۱۳۹۲	ایده حکمرانی خوب در عصر جهانی شدن: زمینه ها و ریشه ها	علوم سیاسی	علی کریمی مله	مازندران
۲.	مجید فلاحتی	۱۳۸۹	بررسی بحران های پنج گانه توسعه سیاسی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران	علوم سیاسی	دکتر مسعود اخوان کاظمی	دانشگاه رازی
۳.	رسول طارمی	۱۳۹۰	تأثیر توسعه سیاسی بر افزایش کارآمدی نظام سیاسی	علوم سیاسی	دکتر محمدرحیم عیوضی	بین المللی امام خمینی قزوین
۴.	قاسم خرمی	۱۳۷۷	توسعه نیافتگی فرهنگ سیاسی و ناکارآمدی احزاب سیاسی ایران	علوم سیاسی	دکتر علیرضا ازغندی	شهید بهشتی
۵.	جواد مرادی	۱۳۹۰	موانع ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران	علوم سیاسی	دکتر محمد توحید فام	تهران مرکز
۶.	مریم نظامی	۱۳۹۵	کارآمدی و نظام جمهوری اسلامی ایران	علوم سیاسی	دکتر اکبر غفوری	یزد
۷.	علی کریمی	۱۳۹۱	نقش سازمانهای مردم نهاد در کارآمدی نظام سیاسی ایران	علوم انسانی	دکتر علیرضا سمیعی اصفهانی	یاسوج
۸.	بهرام سرمست	۱۳۷۴	کثرتگرایی فرهنگی و بحران مشارکت سیاسی	علوم سیاسی	دکتر محمود سربعالقلم	شهید بهشتی
۹.	حمزه قاسمی	۱۳۹۰	تأثیر درآمدهای نفتی بر ناکارآمدی نهادهای سیاسی ایران	مطالعات منطقه ای	دکتر سید رحیم ابوالحسنی	تهران



فاز نخست
تحلیلی بر کارآمدسازی نظام سیاسی در ایران
با تکیه بر مطالعات و پژوهش های انجام شده

پژوهشگران: حسین موسوی، سمانه سهرابی، فهیمه بهرامی

ناظر: کمال رضوی

ویراستار: راضیه شیخ رضایی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

